

رابطه «الگوهای ارتباطی زوجین» با «رضامندی زناشویی»

محمد ثناگویی*

دکتر مسعود جان بزرگی**

دکتر علیرضا مهدویان***

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه «رضامندی زناشویی» با «الگوهای ارتباطی زوجین» انجام گرفت. حجم نمونه که با روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای به صورت تصادفی انتخاب شد شامل ۱۲۱ زوج (۲۴۲ نفر) از دانشگاه تربیت معلم و حوزه علمیه شهر اصفهان بود. «پایبندی مذهبی» نیز متغیر تعدیل‌کننده بود. برای اندازه‌گیری متغیرهای پژوهشی از پرسشنامه الگوهای ارتباطی زوجین کریستنسن و سالووی و پرسشنامه مقیاس رضامندی زناشویی اسلامی جدیری و پرسشنامه پایبندی مذهبی جان بزرگی استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که بین «الگوی ارتباطی سازنده متقابل» با «رضایت زناشویی» رابطه مثبت معناداری وجود دارد ($p < 0/01$). میان الگوهای ارتباطی «توقع/کناره‌گیر، توقع/کناره‌گیر مرد/زن»، «توقع/کناره‌گیر زن/مرد» و «الگوی ارتباطی اجتنابی متقابل» با «رضایت زناشویی» در سطح ($p < 0/01$) رابطه منفی معناداری وجود دارد. پس می‌توان رضایت زناشویی را از طریق الگوهای ارتباطی پیش‌بینی نمود؛ پایبندی مذهبی نیز یکی از عوامل پیش‌بینی‌کننده رضایت زناشویی است.

واژه‌های کلیدی: رضامندی زناشویی، الگوهای ارتباطی زوجین، پایبندی مذهبی

مقدمه

رضامندی زناشویی یکی از مهم‌ترین عوامل پیشرفت و دستیابی به اهداف زندگی و تحت تأثیر ثبات عاطفی زوجین است تا جایی که متخصصان روان‌شناسی خانواده، غالباً معیار خود را در بررسی کیفیت روابط زناشویی زوجین، سطح رضایت زناشویی آنها قرار می‌دهند. رضایت زناشویی، نشانگر استحکام و کارایی نظام زوجین و یکی از مهم‌ترین تعیین‌کننده‌های عملکرد سالم نهاد خانواده می‌باشد (گریف، ۲۰۰۱).

در دهه ۹۰، مطالعات علمی پیرامون رضایت زناشویی توجه زیادی را به خود جلب کرد. در مقایسه با یافته‌های علمی دهه‌های گذشته، در این دهه، حجم زیادی از مطالعات به جنبه‌های مختلف رضایت زناشویی با تأکید بیشتر بر جنبه‌هایی از تعاملات زناشویی که کمتر محسوس و قابل مشاهده هستند، پرداختند (شامل تفسیر رفتارهای متقابل، هیجانات تجربه‌شده و پاسخ‌های فیزیولوژیکی به تعاملات). همچنین در این دوره به الگوهای کلی تعاملی زوج‌ها و ابعاد اجتماعی آن، که نادیده گرفته شده بود و نیز به خشونت‌های زناشویی توجه بیشتری شد (برادبری^۲ و دیگران، ۲۰۰۰).

به‌طور کلی مدل‌های نظری عمده‌ای که در زمینه رضایت زناشویی ارائه شده‌اند؛ در دو سطح مفهومی، مجزا هستند. در سطح اول، نظریه پردازان رویکرد صفات و روان‌تحلیلگری قرار دارند که بر نقش عوامل درون فردی رضایت - شامل: ویژگی‌های شخصیتی، بازخوردها، باورها، ارزش‌ها و انتظارات - تأکید دارند و بر این باورند که ویژگی‌های روان‌شناختی زوج‌ها، موجب پایداری ازدواج و رضامندی زناشویی و یا برعکس موجب ناپایداری و بروز نارضایتی و مشکلات خانوادگی می‌شود. در سطح دوم دیدگاه درمانگران رفتاری - شناختی مطرح است که بیشتر بر عوامل بین فردی رضایت زناشویی - مانند: عشق، صمیمیت، تعهد، عواطف، رابطه جنسی، الگوهای ارتباطی، موضوعات خانوادگی و موضوعات اجتماعی - اهمیت قائلند و اغلب مسائل زناشویی و خانوادگی را به رفتارهای ناپخته همسران مربوط می‌سازند (ملازاده، ۱۳۷۲؛ به نقل از: بیات مختاری، ۱۳۸۹). نتایج پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهند که همه این عوامل بر میزان رضامندی زناشویی تأثیر دارند (موریس و کارتر، ۱۹۹۹^۳).

بنابراین یکی از عوامل بین فردی مؤثر بر رضایت زناشویی، الگوهای ارتباطی بین زوجین است. اهمیت توجه به الگوهای ارتباطی نه تنها از جهت اثرگذاری آن بر میزان رضایت

1. Greef, A. P.

2. Bradbury, T. N.

3. Morris, M. L. & Carter, D.

زناشویی بلکه تغییر الگوهای ارتباطی در مقایسه با دیگر عوامل تأثیرگذار در ناسازگاری زناشویی مانند ویژگی‌های شخصیتی و شرایط اجتماعی و اقتصادی عملی‌تر می‌باشد (گاتمن^۱ و نوتاریوس^۲، ۲۰۰۲).

تعاریف مختلفی برای تبیین ماهیت ارتباط، به عنوان یک پدیده روان‌شناختی شده است؛ به نظر می‌رسد تعریف زیر یکی از بهترین تعاریفی است که می‌تواند ماهیت این پدیده را به خوبی روشن نماید. ارتباط عبارت است از: واکنش متقابل بین دو یا چند نفر که جهت انطباق و یکی کردن فعالیت‌هایشان برای رسیدن به هدف مشترکی، پیام‌هایی را رد و بدل می‌کنند (ایوانونا لیزینا، ۱۳۷۵). به نظر کلی^۳ و همکارانش (۱۹۸۳)، تعامل^۴ در روابط زوجی به «معنای دادن و گرفتن میان دو شخص» است که شامل الگوهای رفتاری منظم و تکرارشونده می‌باشد (نولر و فینی، ۲۰۰۲). ام‌سی‌لین تاک (۱۹۸۳) در تعریفی، واژه (ارتباط) را بدین‌گونه شرح می‌دهد: «مراحل از وقایع علی - معلولی به هم پیوسته، که در حصار زنجیره رفتاری دو نفر قرار دارد» (نولر و فینی، ۲۰۰۲). براساس نظر او باید در تعریف تعامل زناشویی، زوجین را به عنوان یک واحد در نظر گرفت و به عواملی مانند هیجان و شناخت در تعریف الگوی ارتباطی بین زوجین، توجه نمود.

ارتباط در سیستم خانواده عبارت است از: تبادل اطلاعات بین اعضای خانواده به‌طور شفاهی و غیر شفاهی که شامل مهارت‌هایی از قبیل گوش کردن فعال، مکث، حالت‌های چهره برای تبادل الگوهای اطلاعات در درون سیستم خانواده می‌باشد (براک و بارناد، ۱۹۶۲؛ به نقل از: گلا دینگ^۶، ۱۳۸۶). همچنین در تعریفی دیگر، ارتباط زناشویی عبارت است از: فرایندی که طی آن زن و شوهر به صورت کلامی و غیر کلامی در قالب گوش دادن، مکث، حالت چهره و ژست‌های مختلف با یکدیگر به تبادل احساسات و افکار می‌پردازند (وفایی و همکاران، ۱۳۸۸).

الگوهای ارتباطی می‌توانند میزان رضایت زناشویی را تعیین نمایند تا جایی که بیش از ۹۰ درصد زوجین آشفته، این مشکلات را به عنوان مسئله اصلی خود می‌دانند (برنشتاین و برنشتاین^۷، ۱۹۸۶؛ به نقل از: اولیا، ۱۳۸۸). الگوهای ارتباطی معیوب، درک صحیح زوجین را از یکدیگر کاهش داده، باعث می‌شود همسران نتوانند از یکدیگر حمایت کنند، برای

1. Gottman, J. M.

2. Notarious C. I.

3. Kelley, H. H.

4. Interaction

5. Noller, P. & Feeny, J. A.

6. Gladding, S. T.

7. Bornestein, F.

ارضای نیاز یکدیگر تلاش کنند و در مورد مسائل تعارض برانگیز، دیدگاه یکدیگر را درک کنند و سرانجام باعث می‌شود مشکلات زناشویی و نارضایتی ایجاد شود؛ در مقابل، الگوهای ارتباطی سالم و سازنده یکی از مهم‌ترین عوامل رضایتمندی زناشویی به شمار می‌آید (گاتمن، ۱۹۸۱؛ به نقل از: کلینکه، ۱۳۸۳؛ به نقل از: احمدی، ۱۳۸۴).

محققان و زوجین هر دو معتقدند که وجود نقص در برقراری ارتباط، به آشفتگی رابطه منجر می‌شود (هیمن و ویس، ۱۹۹۷؛ به نقل از: هالفورد، ۱۳۸۷^۱). هنگام بحث و گفتگو در مورد مشکلات، زوجین آشفته غالباً عجله و انتقاد می‌کنند و می‌خواهند یکدیگر را تغییر دهند (شنک و کریستنسن، ۱۹۹۱^۲؛ گاتمن، ۱۹۹۴؛ کریستنسن و هیوی و مالموس، ۱۹۹۵^۳). همچنین زوجین آشفته، هنگام صحبت درباره مشکلات به‌طور مداوم به یکدیگر گوش نمی‌دهند (هالفورد و ساندرز، ۱۹۹۰^۴)، از بحث پیرامون مشکلات، طفره می‌روند (کروکف^۵ و گاتمن، ۱۹۸۹؛ شنک و کریستنسن، ۱۹۹۱) و براساس «مقابله به مثل»^۶ به رفتارهای منفی همسرشان پاسخ می‌دهند (هالفورد، ۱۳۸۷)؛ در نتیجه دامنه برانگیختگی و فراوانی آن، باعث از بین رفتن رضایتمندی از رابطه می‌شود (گاتمن، ۱۹۹۴؛ کریستنسن و هیوی و مالموس، ۱۹۹۵).

همان‌طور که گفته شد؛ الگوهای ارتباطی معیوب تأثیرات نامطلوبی بر کارکرد روابط زوجی می‌گذارد و میزان رضایتمندی زناشویی را کاهش می‌دهد. از سوی دیگر مطابق تعریف ام سی لین تاک (۱۹۸۳) از تعامل زناشویی، عوامل هیجانی و شناختی بر الگوهای ارتباطی بین زوجین باید مورد توجه قرار گیرد. یکی از متغیرهایی که براساس پژوهش‌های مختلف می‌تواند عوامل هیجانی و شناختی را کنترل نماید، پایبندی مذهبی است (پرسمن، لیونز، لارسون و استرین، ۱۹۹۰^۷؛ کوئینگ، ۱۹۹۷^۸؛ رفیعی هنر و جان‌بزرگی، ۱۳۸۹). بنابراین مؤلفه مذهب و پایبندی به یک نظام مذهبی در زوجین به عنوان عامل اثرگذار بر کنترل هیجان و شناخت در فرد، از ضرورت‌هایی است که باید در نوع الگوی ارتباطی این زوجین بررسی شود؛ زیرا مشاهده می‌شود که چگونه زوجین براساس پایبندی به مذهب، در روابط زناشویی، خود را مسئول به مهرورزی به یکدیگر، فراهم آوردن اسباب آرامش به همدیگر و تعهد در روابط زناشویی می‌دانند (ماهونی، ۲۰۰۵^۹؛ ثناگویی و جان‌بزرگی، ۱۳۹۰).

1. Halford, W.

2. Shenk, J. L. & Christensen, A.

3. Christensen, A, Heavey, C. L., & Malamuth, N. M.

4. Halford, W. & Sanders, M. R.

5. Krokoff, L. J.

6. quid pro quo

7. Pressman, P., Lyons J. S., Larson D. B. & Strain. J.

8. Koeing, H. G.

9. Mahoney, A.

بنابراین، زوجین براساس الگوهای ارتباطی مختلفی که دارند؛ می‌توانند به زوجین رضامند یا زوجین نارضامند تقسیم شوند. گرچه مطابق تحقیقات گذشته، رابطه الگوهای ارتباطی با رضایت زناشویی رابطه متقابل است یعنی هم رضایت زناشویی می‌تواند الگوهای ارتباطی را تحت تأثیر قرار دهد و هم الگوهای ارتباطی می‌تواند بر رضایت زناشویی مؤثر باشد. اما آنچه که در این پژوهش مورد سؤال می‌باشد، این است که انواع الگوهای ارتباطی با رضایت زناشویی چه رابطه‌ای دارند؟ آیا الگوهای ارتباطی می‌توانند رضایت زناشویی را پیش‌بینی کنند؟ همچنین رضایت زناشویی می‌تواند الگوهای ارتباطی را پیش‌بینی نماید؟ سؤال مهم‌تری که این پژوهش درصدد پاسخ به آن می‌باشد، آن است که اگر متغیر مذهبی بودن را که یکی از عوامل درون فردی مؤثر بر میزان رضایت زناشویی است به عنوان یک متغیر تعدیل‌کننده در پژوهش در نظر گیریم، به چه میزان می‌تواند تعیین‌کننده الگوهای ارتباطی و رضایت زناشویی باشد؟ به عبارت دیگر در مقایسه با زوجین ناپایبند به مذهب، پایبندی به مذهب به چه میزان می‌تواند الگوهای ارتباطی و رضایت زناشویی را در جهت مثبت یا منفی تغییر دهد؟

روش

این تحقیق از نوع پژوهش‌های توصیفی - همبستگی است. چون در این تحقیق متغیر تعدیل‌کننده پایبندی مذهبی است، لذا به منظور مشارکت و کنترل نسبی متغیر مذهبی بودن، جامعه آماری شامل زوجین دانشگاهی و حوزوی شهر اصفهان، انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری، چندمرحله‌ای به صورت تصادفی بود. از میان جامعه پژوهش که زوجین حوزوی و دانشگاهی شهر اصفهان بودند، مرکز تربیت معلم به عنوان یک مرکز دانشگاهی و مدرسه‌های مجتهد امین و امام صادق (ع) به عنوان دو مرکز حوزوی از میان مراکز دانشگاهی و حوزوی انتخاب شدند؛ سپس از هر مرکزی تعداد ۱۰ کلاس به‌طور تصادفی انتخاب گردید و ۴۰۰ پرسشنامه بین دانشجویان و طلاب متأهل این مراکز توزیع گردید؛ پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها و حذف پرسشنامه‌های ناقص، داده‌های تعداد ۲۴۲ نفر (۱۲۱ زوج) از آزمودنی‌ها مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفتند. از این تعداد، ۵۹ زوج متعلق به گروه طلاب و ۶۲ زوج متعلق به گروه دانشجویان بود. معیارهای ورود زوجین در نمونه‌گیری عبارت بود از؛ ۲ سال از ازدواجشان گذشته باشد، دچار بیماری‌های مزمن روانی نباشند. سن آنها ۲۰ سال به بالا باشد. گروه‌های نمونه کاملاً با رعایت مسائل اخلاقی و حقوقی شرکت‌کنندگان تشکیل شد. زوجین با اختیار خود و به صورت داوطلبانه و با فرصت کافی به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند. پاسخنامه‌ها بدون ذکر نام و نام خانوادگی در اختیار آنها قرار

گرفت و به آنها این اطمینان داده شد که اطلاعاتشان صرفاً جهت پژوهش به کار گرفته می‌شود و هیچ نهاد یا سازمانی به اطلاعات آنها دسترسی پیدا نمی‌کند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون تک متغیره و چند متغیره استفاده گردید.

ابزارهای پژوهش

پرسشنامه الگوهای ارتباطی کریستنسن، سالووی (۱۹۸۴): در این مطالعه منظور از الگوهای ارتباطی، سه الگوی ارتباطی است که کریستنسن و سالووی (۱۹۸۴)، به نقل از عبادت‌پور (۱۳۷۹)، به آن اشاره دارند. این پرسشنامه یک ابزار خودسنجی دارای ۳۵ سؤال است که به منظور برآورد ارتباط زناشویی طراحی شده است. این پرسشنامه (CPQ)،^۲ رفتارهای زوج‌ها را، در طی سه مرحله از تعارض زناشویی که این مراحل عبارتند از: ۱. هنگامی که مشکل در رابطه زوجین به وجود می‌آید، ۲. مدت زمانی که درباره مشکل بحث می‌شود، ۳. بعد از بحث راجع به مشکل ارتباطی، مشخص می‌کند. زوجین هر رفتار را روی یک مقیاس ۹ درجه‌ای لیکرت از ۱ (اصلاً امکان ندارد) تا ۹ (خیلی امکان دارد) درجه‌بندی می‌کنند. این رفتارها عبارت‌اند از: اجتناب متقابل، بحث متقابل، بحث/اجتناب، مذاکره متقابل، خشونت کلامی، خشونت جسمانی و کناره‌گیری متقابل. این پرسشنامه از سه خرده مقیاس تشکیل شده است: مقیاس ارتباط سازنده متقابل، مقیاس ارتباط اجتنابی متقابل، مقیاس ارتباط توقع/کناره‌گیری. ارتباط توقع/کناره‌گیری از دو بخش تشکیل شده است: مرد متوقع/زن کناره‌گیر و زن متوقع/مرد کناره‌گیر. تحقیقات قبلی که از پرسشنامه CPQ استفاده نموده‌اند، اعتبار (۰/۷۴) تا (۰/۷۸)، را برای خرده مقیاس‌های مختلف آن تعیین کرده‌اند (عبادت‌پور، ۱۳۷۹؛ به نقل از: احمدی و همکاران، ۱۳۸۵). در ایران عبادت‌پور (۱۳۷۹)، پرسشنامه فوق را هنجاریابی کرده و به منظور برآورد روایی پرسشنامه، همبستگی بین مقیاس‌های این پرسشنامه و پرسشنامه رضایت زناشویی را محاسبه کرده است. این مطالعه نشان داد که همه مقیاس‌های این پرسشنامه با رضایت زناشویی انریچ همبستگی دارد (به نقل از: رضایی و همکاران، ۱۳۸۹). ضرایب همبستگی به دست آمده برای سه خرده مقیاس ارتباط سازنده متقابل (۵سؤالی)، ارتباط اجتنابی متقابل، ارتباط توقع/کناره‌گیری به ترتیب عبارت از (۰/۵۸)، (۰/۵۸-) و (۰/۳۵-)، و مقیاس ارتباط سازنده متقابل (۷سؤالی) برابر ۰/۷۴ به دست آمده بود که همگی در سطح آلفای ۰/۰۱ معنادار بودند (عبادت‌پور، ۱۳۷۹؛ به نقل از: احمدی و همکاران، ۱۳۸۵). در این مطالعه اعتبار

1. Sullaway, M.

2. Communication Patterns Questionair

مقیاس‌های پرسشنامه الگوهای ارتباطی با استفاده از روش آلفای کرونباخ به ترتیب در مقیاس ارتباط سازنده متقابل برابر ۰/۵۴، ارتباط اجتنابی متقابل ۰/۶۸ و ارتباط توقع/کناره‌گیری ۰/۵۳ گزارش شد (به نقل از: رضایی و همکاران، ۱۳۸۹).

پرسشنامه رضامندی زناشویی اسلامی جدیری و جان‌بزرگی (۱۳۸۸): این پرسشنامه مقیاس رضامندی زناشویی (براساس معیارهای دینی) است. این آزمون ده مؤلفه و پنجاه پرسش دارد که سهم هر یک از مؤلفه‌ها پنج پرسش به شرح زیر است: ۱. ارتباط کلامی (پرسش‌های ۱، ۲، ۳، ۵ و ۱۵): این مؤلفه به رفتارهای کلامی همسران در تعامل با یکدیگر از منظر دینی مربوط می‌شود. رعایت عفت و ادب در کلام و پرهیز از آزار رساندن توسط زبان و ابراز محبت کلامی، از ویژگی‌های این خرده مقیاس است. نمره بالا نشان‌دهنده وجود رابطه کلامی سالم بین زوجین است. ۲. پایبندی‌های مذهبی (پرسش‌های ۶ تا ۱۰): این مؤلفه میزان توجه همسران به مبدأ متعال و رعایت حریم خداوند را در زندگی زناشویی می‌سنجد. نمره بالا در این مقیاس، نشانگر تعهد همسران در ادای وظایف‌شان و ملاک بودن مذهب و پایبندی به آن در زندگی زناشویی است. ۳. حل تعارض (پرسش‌های ۴، ۱۱، ۱۲، ۱۳ و ۱۴): این مؤلفه به احساسات، اعتقادات و نگرش‌های شخص درباره وجود آمدن یا حل تعارض مربوط می‌شود. نمره بالا در این مقیاس، نشان‌دهنده وجود توافق و هراس در زندگی زناشویی و ظرفیت حل تعارض از راه‌های معقول می‌باشد. ۴. مدیریت مالی (پرسش‌های ۱۶ تا ۲۰): این مؤلفه به نحوه اداره امور مالی، زندگی زناشویی و نگرش‌های همسران درباره نوع مدیریت مالی منزل مربوط می‌شود. نمره بالا در این مقیاس، بیانگر مدیریت خوب امور مالی و رضایت همسر از این نوع مدیریت است. ۵. روابط جنسی (پرسش‌های ۲۱ تا ۲۵): این مؤلفه نگرش‌ها و نگرانی‌های همسر را درباره روابط جنسی می‌سنجد. نمره بالا در این مقیاس، نشانگر نبود وجود مشکل جدی در این باره و احساس رضایت همسران از این رابطه است. ۶. فعالیت‌های اوقات فراغت (پرسش‌های ۲۶ تا ۲۹ و ۳۴): این مؤلفه ترجیح‌های زن و شوهر را درباره فعالیت‌های اوقات فراغت و گذران آن در کنار همسر ارزیابی می‌کند. نمره بالا در این مقیاس، نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری و توافق درباره استفاده از زمان‌های فراغت و احساس رضایت از کنار هم بودن در این اوقات است. ۷. مسائل شخصیتی (پرسش‌های ۳۰ تا ۳۳ و ۳۵): این مؤلفه رضایت یا نارضایتی همسران را از ویژگی‌ها، صفات و رفتارهای همدیگر می‌سنجد. نمره بالا نشان‌دهنده رضایت از ویژگی‌های شخصیتی همسر می‌باشد. ۸. فرزندان و فرزندپروری (پرسش‌های ۳۶ تا ۴۰): این مؤلفه نگرش والدین را نسبت به فرزندان و رضایت یا نارضایتی آنان را در نوع فرزندپروری همسر ارزیابی می‌کند. نمره بالا در این مقیاس، نشانگر نگرش مثبت والدین به فرزندآوری و احساس رضایت از فرزندپروری همسر است. ۹. نقش زن و مرد (پرسش‌های ۴۱

تا ۴۵): این مؤلفه، نحوه ایفای نقش زن و شوهر در زندگی و رضایت آنان را از انجام وظایف توسط طرف مقابل ارزیابی می‌کند. نمره بالا در این مقیاس، بیانگر ایفای مسئولیت زن یا شوهری و احساس رضایت از طرف مقابل در این مورد می‌باشد. ۱۰. صله ارحام (پرشش‌های ۴۶ تا ۵۰): این مؤلفه نگرش و کنش همسران را درباره رفت و آمد با اقوام و فامیل می‌سنجد. نمره بالا در این مقیاس، نشان‌دهنده نگرش مثبت به این‌گونه روابط و احساس رضایت از آن است (جدیری و جان‌بزرگی، ۱۳۸۸). برای اعتبار پرسشنامه رضامندی زناشویی از طریق دو نیمه‌سازی و ثبات درونی (آلفای کرونباخ) اقدام شده است که عدد ۰/۸۷ به دست آمد که نشان می‌دهد پرسشنامه اعتبار نسبتاً بالایی دارد (جدیری و جان‌بزرگی، ۱۳۸۸). از دو روش روایی محتوایی و روایی وابسته به ملاک از نوع همزمان، برای برآورد روایی این آزمون اقدام شده است که نتایج نشان می‌دهد پرسشنامه روایی بالایی دارد. روایی محتوایی آزمون با استفاده از روش همبستگی اسپیرمن در حدود ۰/۹۰ به دست آمد که در سطح $(p < 0.001)$ معنادار بود. همچنین روایی وابسته به ملاک از نوع همزمان نیز با استفاده از تست معادل به دست آمد. برای بررسی این نوع روایی، ضریب همبستگی میان نمره کل آزمون مزبور با نمره کل پرسشنامه رضامندی زناشویی انریچ محاسبه شد که ضریب همبستگی بین این دو پرسشنامه ۰/۷۲۶ در سطح معناداری کمتر از ۰/۰۱ می‌باشد (جدیری و جان‌بزرگی، ۱۳۸۸).

پرسشنامه پایبندی مذهبی جان‌بزرگی (۱۳۸۸): این آزمون رفتارهای مذهبی را در موقعیت‌های بالینی می‌سنجد و متغیرهای مذهبی را در مداخله‌هایی که به نوعی از روش‌های مذهبی استفاده می‌کنند کنترل می‌نماید. این آزمون از یک پرسشنامه ۶۰ سؤالی تهیه شده است؛ که سه عامل (پایبندی مذهبی، دوسوگرایی و ناپایبندی مذهبی) را مورد سنجش قرار می‌دهد. در عامل پایبندی مذهبی، فرد بدون تردید، براساس معیارهای مذهبی رفتار خود را تنظیم می‌کند و تلاش می‌کند که همه رفتارهایش را براساس مذهب طراحی کند. در عامل ناپایبندی مذهبی، فرد هیچ‌گونه تعمدی به تنظیم رفتارها براساس اصول یا دستورالعمل‌های مذهبی ندارد. در عامل دوسوگرایی مذهبی، فرد همواره نگران و در یک حالت تردید مذهبی به سر می‌برد. بین کردار و گفتارش ناهماهنگی وجود دارد. در برابر سختی‌ها کم‌تحمل است. احساس خوبی نسبت به خود و رابطه خود با خدا ندارد. از اعمال مذهبی خود ناراضی است و تنها هنگام سختی‌ها به خدا پناه می‌برد؛ شایان ذکر است، ابعادی که در این پرسشنامه به دست آمده، ابعاد دینداری را الزاماً نمی‌سنجد؛ بلکه ابعاد روی‌آوری یا رویگردانی یک فرد از مذهب یا ایمان فرد به اعتقادات مذهبی را نیز می‌سنجد (جان‌بزرگی، ۱۳۸۸). ضریب آلفای کرونباخ کل آزمون برابر ۰/۸۱۶ و ضریب همسانی درونی عامل پایبندی درونی ۰/۸۷۸، ضریب همسانی درونی عامل گذاری ۰/۶۸۷ و ضریب همسانی درونی عامل ناپایبندی مذهبی ۰/۷۲۵ به دست

آمد که همگی نشان دهنده اعتبار بالای این پرسشنامه است (جان بزرگی، ۱۳۸۸). برای محاسبه روایی ملاک، صورت اولیه این آزمون قبل از تحلیل عاملی با آزمون جهت گیری مذهبی آلپورت محاسبه گردید. ضریب همبستگی نمره‌های دو آزمون با $n=60$ از میان دانشجویان ۰/۴۷ محاسبه شد که در سطح $(p < 0/001)$ معنادار بود (جان بزرگی، ۱۳۸۸).

یافته‌ها

نتایج جدول شماره ۱، نشان می‌دهد که بین الگوی ارتباطی سازنده متقابل با رضایت زناشویی رابطه مستقیمی وجود دارد.

جدول ۱: میزان همبستگی بین مؤلفه‌های رضایت زناشویی و الگوهای ارتباطی زوجین

مؤلفه‌های الگوی ارتباطی	ارتباط سازنده متقابل	ارتباط توقع / کناره‌گیری مرد/ زن	ارتباط توقع / کناره‌گیری زن/ مرد	ارتباط متقابل	مؤلفه‌های رضایت زناشویی
ارتباط کلامی ضریب همبستگی سطح معناداری	** -۰/۳۵۹ ۰/۰۰۰	** -۰/۱۹۶ ۰/۰۰۲	** -۰/۳۶۸ ۰/۰۰۰	** -۰/۳۲۱ ۰/۰۰۰	** ۰/۴۴۴ ۰/۰۰۰
پایبندی‌های مذهبی ضریب همبستگی سطح معناداری	** -۰/۲۳۴ ۰/۰۰۰	** -۰/۲۸۹ ۰/۰۰۰	** -۰/۲۳۱ ۰/۰۰۰	** -۰/۲۹۳ ۰/۰۰۰	** ۰/۲۳۵ ۰/۰۰۰
حل تعارض ضریب همبستگی سطح معناداری	* -۰/۱۵۵ ۰/۰۱۶	-۰/۰۹۶ ۰/۱۳۸	* -۰/۱۴۴ ۰/۰۲۵	* -۰/۱۳۶ ۰/۰۳۴	** ۰/۱۹۱ ۰/۰۰۳
مدیریت مالی ضریب همبستگی سطح معناداری	* -۰/۱۶۲ ۰/۰۱۲	-۰/۱۲۵ ۰/۰۵۱	-۰/۰۹۷ ۰/۱۳۴	-۰/۱۲۵ ۰/۰۵۲	** ۰/۱۷۷ ۰/۰۰۶
روابط جنسی ضریب همبستگی سطح معناداری	** -۰/۲۷۲ ۰/۰۰۰	* -۰/۱۳۰ ۰/۰۴۳	** -۰/۱۸۹ ۰/۰۰۳	** -۰/۱۸۱ ۰/۰۰۵	** ۰/۳۲۸ ۰/۰۰۰
اوقات فراغت ضریب همبستگی سطح معناداری	** -۰/۲۵۱ ۰/۰۰۰	* -۰/۱۵۷ ۰/۰۱۴	** -۰/۱۹۲ ۰/۰۰۳	** -۰/۱۹۸ ۰/۰۰۲	** ۰/۳۱۸ ۰/۰۰۰
مسائل شخصیتی ضریب همبستگی سطح معناداری	** -۰/۳۷۳ ۰/۰۰۰	** -۰/۲۰۸ ۰/۰۰۰	** -۰/۳۸۱ ۰/۰۰۰	** -۰/۳۳۶ ۰/۰۰۰	** ۰/۳۶۷ ۰/۰۰۰
فرزندپروری ضریب همبستگی سطح معناداری	-۰/۰۳۷ ۰/۵۶۷	-۰/۰۳۷ ۰/۵۶۳	-۰/۰۲۰ ۰/۷۵۶	-۰/۰۳۲ ۰/۶۱۹	۰/۰۴۱ ۰/۵۲۹
نقش زن و مرد ضریب همبستگی سطح معناداری	** -۰/۲۰۴ ۰/۰۰۰	-۰/۰۸۹ ۰/۱۶۶	-۰/۱۱۷ ۰/۰۷	-۰/۱۱۷ ۰/۰۷۰	** ۰/۲۸۹ ۰/۰۰۰
صله ارحام ضریب همبستگی سطح معناداری	-۰/۱۱۱ ۰/۰۸۴	۰/۰۰۴ ۰/۹۴۶	-۰/۰۶۶ ۰/۳۰۳	-۰/۰۴۱ ۰/۵۲۵	** ۰/۱۶۷ ۰/۰۰۹
رضامندی کل ضریب همبستگی سطح معناداری	** -۰/۳۱۵ ۰/۰۰۰	** -۰/۱۸۲ ۰/۰۰۴	** -۰/۲۶۰ ۰/۰۰۰	** -۰/۲۵۱ ۰/۰۰۰	** ۰/۳۷۶ ۰/۰۰۰

* P<0/05 ** P<0/01

همان‌طور که جدول شماره ۱، نشان می‌دهد میان «ارتباط سازنده متقابل» با مؤلفه‌های «رضایت زناشویی» و نمره «رضایت زناشویی کل» رابطه مستقیم و معناداری در سطح $p < 0/01$ وجود دارد. البته میان «ارتباط سازنده متقابل» با مؤلفه «فرزندپروری» رابطه معناداری مشاهده نمی‌شود. ضریب همبستگی بین «ارتباط سازنده متقابل» با نمره «رضایت زناشویی کل» برابر است با $r = 0/376$ ، که در سطح $p < 0/01$ معنادار است. بنابراین هرچه «الگوی ارتباطی سازنده متقابل» بین زوجین برقرار باشد رضایت زناشویی بین آنها قوی‌تر می‌شود. رابطه معکوس معناداری میان سایر الگوها با نمرات خرده مقیاس‌های رضایت زناشویی و همچنین «رضایت زناشویی کل» در سطح $p < 0/05$ وجود دارد که این موضوع نشان می‌دهد در صورتی که الگوی ارتباطی بین زوجین غیر از «الگوی ارتباطی سازنده متقابل» باشد، «رضایت زناشویی» کاهش می‌یابد؛ یعنی هرچه الگوی ارتباطی رابطه «توقع / کناره‌گیر» ($r = -0/251$) «توقع / کناره‌گیر مرد / زن» ($r = -0/260$) «توقع / کناره‌گیر زن / مرد» ($r = -0/182$) و «اجتنابی متقابل» ($r = -0/315$) میان زوجین بیشتر برقرار باشد «رضایت زناشویی» ضعیف‌تر است. به‌ویژه اگر الگوی ارتباطی اجتنابی متقابل باشد. زیرا قوی‌ترین ضریب همبستگی معکوس بین الگوهای ارتباطی با «رضایت زناشویی کل» مربوط به «الگوی ارتباطی اجتنابی متقابل» است ($r = -0/315$). نکته جالب توجه آنکه قوی‌ترین ضریب همبستگی میان الگوهای ارتباطی با خرده مقیاس‌های رضایت زناشویی مربوط به ضریب همبستگی خرده مقیاس «ارتباط کلامی» با «الگوی ارتباطی سازنده متقابل» است $r = 0/444$. همچنین قوی‌ترین ضریب همبستگی معکوس میان خرده مقیاس «ارتباط کلامی» با الگوهای ارتباطی «توقع / کناره‌گیر» و «اجتنابی متقابل»، مربوط به «الگوی ارتباطی توقع / کناره‌گیری مرد / زن» است: $r = -0/368$.

به منظور پیش‌بینی الگوهای ارتباطی از طریق رضایت زناشویی از تحلیل رگرسیون تک‌متغیره استفاده شد و نتایج در جدول شماره ۲، قابل مشاهده است:

جدول ۲: خلاصه نتایج رگرسیون رضامندی زناشویی با الگوهای ارتباطی زوجین

متغیر ملاک	شاخص آماری	متغیر پیش‌بین	R^2	F P	β	t P
ارتباط سازنده متقابل	رضایت زناشویی	رضایت زناشویی	۰/۱۵	۳۹/۴۵۶ ۰/۰۰۰	۰/۳۸	۶/۲۸۱ ۰/۰۲۵
ارتباط توقع / کناره‌گیری	رضایت زناشویی	رضایت زناشویی	۰/۰۶	۱۶/۱۵۵ ۰/۰۰۰	-۰/۲۵	-۴/۰۱ ۰/۰۰۰

t P	β	F P	R ²	متغیر پیش‌بین	شاخص آماری
					متغیر ملاک
-۴/۱۷ ۰/۰۰۰	-۰/۲۶	۱۷/۴۳۶ ۰/۰۰۰	۰/۰۶	رضایت زناشویی	ارتباط توقع / کناره‌گیری مرد / زن
-۲/۸۶ ۰/۰۰۴	-۰/۱۸	۸/۲۲۵ ۰/۰۰۴	۰/۰۳	رضایت زناشویی	ارتباط توقع / کناره‌گیری زن / مرد
-۵/۱۴ ۰/۰۰۰	-۰/۳۱	۲۶/۴۱۸ ۰/۰۰۰	۰/۰۹	رضایت زناشویی	ارتباط اجتنابی متقابل

همان‌طور که در جدول شماره ۲، قابل ملاحظه است رضایت زناشویی می‌تواند به ترتیب ۱۵٪ واریانس الگوی ارتباط سازنده متقابل، ۶٪ واریانس الگوی ارتباط توقع / کناره‌گیری و ارتباط توقع / کناره‌گیری مرد / زن، ۳٪ واریانس ارتباط توقع / کناره‌گیری زن / مرد و ۹٪ واریانس الگوی ارتباط اجتنابی متقابل را تبیین می‌نماید. ضرایب تأثیر مبین آن است که رضایت زناشویی با الگوهای ارتباطی رابطه معناداری دارد. به گونه‌ای که رضایت زناشویی با الگوی ارتباط سازنده متقابل رابطه مثبت ($\beta=۰/۳۸$) دارد و این نشان می‌دهد که اگر ارتباط سازنده متقابل بین زوجین برقرار باشد رضایت زناشویی بالاتر خواهد بود. در حالی که رضایت زناشویی با سایر الگوهای ارتباطی رابطه معکوسی دارد و این یافته نشان می‌دهد که هرچه الگوی ارتباطی بین زوجین توقع / کناره‌گیر ($\beta=-۰/۲۵$)، توقع / کناره‌گیر مرد / زن ($\beta=-۰/۲۶$) یا توقع / کناره‌گیر زن / مرد ($\beta=-۰/۱۸$) و اجتنابی متقابل ($\beta=-۰/۳۱$) باشد رضایت زناشویی کمتر خواهد شد.

مرحله بعد پیش‌بینی رضایت زناشویی از طریق الگوهای ارتباطی است؛ در این مرحله از تحلیل رگرسیون استفاده شد، یافته‌ها نشان داد به همان میزان که رضایت زناشویی الگوهای ارتباطی را پیش‌بینی می‌کند، الگوهای ارتباطی نیز رضایت زناشویی را پیش‌بینی می‌نماید. سپس پایبندی مذهبی زوجین به عنوان یک متغیر تعدیل‌کننده به منظور تعیین میزان قدرت پیش‌بینی رضایت زناشویی وارد معادله گردید که به تنهایی توانست ۲۳٪ واریانس رضایت زناشویی را پیش‌بینی نماید. سپس این متغیر به همراه سایر الگوهای ارتباطی توانست به ترتیب؛ الگوی ارتباطی سازنده متقابل ۵۲٪، ارتباط توقع / کناره‌گیری ۴۴٪، ارتباط توقع / کناره‌گیری مرد / زن ۴۵٪، ارتباط توقع / کناره‌گیری زن / مرد ۴۳٪، ارتباط اجتنابی متقابل ۴۷٪ واریانس رضایت زناشویی را پیش‌بینی نماید. نتایج در جدول شماره ۳، قابل مشاهده است.

جدول ۳: خلاصه نتایج رگرسیون رضامندی زناشویی با الگوهای ارتباطی زوجین با ورود پایبندی مذهبی

شاخص آماری متغیر ملاک	متغیر پیش بین	R ²		F P		β		t P	
		با پایبندی	بدون پایبندی	با پایبندی	بدون پایبندی	با پایبندی	بدون پایبندی	با پایبندی	بدون پایبندی
رضایت زناشویی	ارتباط سازنده متقابل	۰/۳۸	۰/۵۲	۶/۲۸۱	۵۴/۰۲۴	۰/۳۸	۰/۲۸۲	۶/۲۸	۵/۱۱۶
رضایت زناشویی	ارتباط توقع / کناره‌گیری	۰/۲۳	۰/۴۴	۰/۰۰۰	۳۹/۶۳۹	-۰/۲۵	-۰/۱۲۰	-۴/۰۱	-۲/۰۴۷
رضایت زناشویی	ارتباط توقع/کناره گیری مرد/زن	۰/۲۳	۰/۴۵	۰/۰۰۰	۴۲/۸۰۵	-۰/۲۶	-۰/۱۷۰	-۴/۱۷	-۳/۰۰۵
رضایت زناشویی	ارتباط توقع / کناره‌گیری زن / مرد	۰/۱۶	۰/۴۳	۰/۰۰۴	۳۷/۰۶۱	-۰/۱۸	-۰/۰۳۰	-۲/۸۶	-۰/۵۰۰
رضایت زناشویی	ارتباط اجتنابی متقابل	۰/۳۱	۰/۴۷	۰/۰۰۰	۴۴/۶۹۱	-۰/۳۱	-۰/۱۹۸	-۵/۱۴	-۳/۴۵۱
رضایت زناشویی	پایبندی مذهبی	۰/۲۳			۷۴/۱۰۳		۰/۴۸		۸/۶۰

همان‌طور که در جدول شماره ۳، قابل ملاحظه است، در صورتی که میان قدرت پیش‌بینی واریانس رضایت زناشویی توسط الگوهای ارتباطی بدون لحاظ پایبندی مذهبی با قدرت پیش‌بینی واریانس رضایت زناشویی توسط الگوهای ارتباطی با لحاظ پایبندی مذهبی مقایسه گردد، مشخص می‌شود که الگوهای ارتباطی همراه پایبندی مذهبی به مراتب بیشتر از الگوهای ارتباطی بدون لحاظ پایبندی مذهبی می‌تواند رضایت زناشویی را پیش‌بینی نماید. همچنین ضرایب تأثیر نشان می‌دهد که بین رضایت زناشویی با ارتباط سازنده متقابل و پایبندی مذهبی رابطه مثبت معناداری وجود دارد ($\beta=0/28$). این نشان می‌دهد که هرچه میزان پایبندی مذهبی و الگوی ارتباطی سازنده متقابل بیشتر میان زوجین برقرار باشد میزان رضایت زناشویی بالاتر خواهد بود. اما در سایر الگوهای ارتباطی ضرایب تأثیر مبین آن است که الگوهای ارتباطی توقع / کناره‌گیری، توقع / کناره‌گیری مرد / زن، توقع / کناره‌گیری زن / مرد و ارتباط اجتنابی متقابل با رضایت زناشویی رابطه معکوس معناداری وجود دارد؛ یعنی هرچه این الگوها بیشتر میان زوجین برقرار باشد رضایت زناشویی کمتر خواهد شد. در صورتی که ضرایب تأثیر الگوهای ارتباطی با پایبندی مذهبی و بدون لحاظ پایبندی مذهبی مقایسه گردد نتایج جالب توجهی به دست می‌آید. ضرایب تأثیر الگوهای ارتباطی توقع / کناره‌گیری ($\beta=-0/12$)، توقع / کناره‌گیری مرد / زن ($\beta=-0/17$)، توقع / کناره‌گیری زن / مرد ($\beta=-0/03$)

و ارتباط اجتنابی متقابل ($\beta = -0/19$) همراه پایبندی مذهبی از ضرایب تأثیر این الگوها بدون لحاظ پایبندی مذهبی کمتر است و این نشان می‌دهد که اگر این الگوها در روابط زوجین برقرار باشد ولی زوجین پایبند به مذهب باشند نارضامندی زناشویی آنها نسبت به موقعی که پایبند به مذهب نیستند پایین تر است.

بحث در یافته‌ها

نتایج نشان داد میان همه الگوهای ارتباطی زوجین با رضایت زناشویی رابطه معناداری وجود دارد. میان الگوی ارتباطی سازنده متقابل با رضایت زناشویی همبستگی مثبت در سطح $p < 0/01$ وجود داشت؛ در حالی که میان سایر الگوهای ارتباطی؛ «توقع / کناره‌گیر»، «توقع / کناره‌گیر مرد / زن»، «توقع / کناره‌گیر زن / مرد» و الگوی ارتباطی «اجتنابی متقابل» با رضایت زناشویی در سطح $p < 0/01$ رابطه معکوسی مشاهده شد. این نتایج نشان می‌دهد که با افزایش یا کاهش «الگوی ارتباطی سازنده متقابل»، «رضایت زناشویی» نیز متقابلاً افزایش یا کاهش می‌یابد و با افزایش سایر الگوهای ارتباطی، رضایت زناشویی نیز کاهش پیدا می‌کند. در بین ضرایب همبستگی منفی، بیشترین ارتباط میان «الگوی ارتباطی اجتنابی متقابل» با «رضایت زناشویی» است و این نشان می‌دهد که «الگوی ارتباطی اجتنابی متقابل» نسبت به «الگوهای ارتباطی توقع / کناره‌گیر» بیشترین رابطه را با کاهش رضایت زناشویی دارد.

نکته قابل توجه درباره این نتایج، آن است که قوی‌ترین ضریب همبستگی میان الگوهای ارتباطی با خرده‌مقیاس‌های رضایت زناشویی مربوط به ضریب همبستگی خرده‌مقیاس «ارتباط کلامی» با «الگوی ارتباطی سازنده متقابل» است که نشان می‌دهد رابطه قوی بین «الگوی ارتباطی سازنده متقابل» با خرده‌مقیاس «ارتباط کلامی» وجود دارد؛ به گونه‌ای که الگوی ارتباطی سازنده متقابل بیشترین رابطه را با افزایش میزان رضایت زناشویی در این خرده‌مقیاس دارد. همچنین قوی‌ترین ضریب همبستگی منفی میان خرده‌مقیاس «ارتباط کلامی» با الگوهای ارتباطی «توقع / کناره‌گیر» و «اجتنابی متقابل»، مربوط به «الگوی ارتباطی توقع / کناره‌گیری مرد / زن» است که نشان می‌دهد «الگوی ارتباطی توقع / کناره‌گیر مرد / زن» نسبت به سایر الگوهای ارتباطی، بیشترین رابطه را با کاهش میزان رضایت زناشویی در این خرده‌مقیاس دارد.

پژوهش‌هایی که به بررسی رابطه بین الگوهای ارتباطی و رضایت زناشویی پرداخته‌اند حاکی از یکسانی نتایج بین الگوهای ارتباطی سازنده متقابل و ارتباط اجتنابی متقابل با رضایت زناشویی دارد (احمدی، ۱۳۸۴). شواهد فراوانی وجود دارد که نشان می‌دهد رابطه

توقع / کناره‌گیر یعنی الگویی که در آن یکی از همسران از بحث خودداری می‌کند و دیگری سرزنش و گله یا شکایت می‌کند با ناراضامندی زناشویی رابطه مستقیمی دارد (فوگارتی،^۱ ۱۹۷۶؛ جاکوبسن، مارگولین،^۲ ۱۹۷۹؛ کریستنسن، هیوی،^۳ ۱۹۹۰؛ نولر، فنی، بونل و کالان،^۴ ۱۹۹۴ و کایوچلین،^۵ ۲۰۰۲). همچنین یافته‌های مطالعه کاتلین الدریدج^۵ و دیگران (۲۰۰۷)، نشان داد که «رابطه توقع / کناره‌گیر» در مشاجرات مشکل‌مدار با آشفتگی بیشتر در همه زوجین رابطه دارد، اما در مورد الگوی ارتباطی توقع / کناره‌گیری نتایج یکسانی از پژوهش‌ها به دست نیامده است. دسته‌ای از مطالعات به این نتیجه رسیدند که الگوی ارتباطی توقع / کناره‌گیر به‌خصوص وقتی مرد کناره‌گیر و زن متوقع باشند با کاهش رضایت زناشویی رابطه دارد (هیوی، کریستنسن و ملاموس، ۱۹۹۵) و پیش‌بینی‌کننده طلاق است (گاتمن، لونسون،^۶ ۲۰۰۰). اما مطالعات دیگری به این نتیجه رسیدند (هیوی، لاین^۷ و کریستنسن، ۱۹۹۳؛ نولر و دیگران، ۱۹۹۴). این مطالعات نشان دادند که زنان در صورتی که متوقع و همسرانشان کناره‌گیر باشند به مرور زمان به رضایت زناشویی بیشتری گرایش دارند (گاتمن، کروکف، ۱۹۸۹؛ هیوی و دیگران، ۱۹۹۵؛ هیوی و دیگران، ۱۹۹۳؛ کایوچلین،^۵ ۲۰۰۲). همچنین مطالعاتی نشان می‌دهند که الگوی ارتباطی توقع / کناره‌گیر مرد / زن با رضایت زناشویی هر دو، هم در زمان حال و هم در زمان آینده ارتباط دارد (هیوی و همکاران، ۱۹۹۵؛ به نقل از: کایوچلین،^۵ ۲۰۰۲). شاید دلیل این اختلاف دو چیز باشد: ۱. روش‌های آماری که این پژوهش‌ها به کار برده‌اند. ۲. میانگین طول مدت ازدواج زوجینی که به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شده بودند.

پژوهش احمدی (۱۳۸۴)، نیز که به بررسی رابطه «بین الگوهای ارتباطی با رضایتمندی زناشویی زوجین شاغل در دانشگاه اصفهان» پرداخته بود نیز همین نتایج را تأیید می‌کند؛ با این تفاوت که در پژوهش احمدی (۱۳۸۴)، بین «الگوی ارتباطی توقع / کناره‌گیری» با «رضایتمندی زناشویی» رابطه معناداری به دست نیامد.

براساس توضیحاتی که پیش‌تر گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که توافق مورد قبولی در همه مطالعات بین رابطه الگوی ارتباطی سازنده متقابل و ارتباط اجتنابی متقابل با رضایت زناشویی وجود دارد؛ در حالی که نتایج پژوهش‌ها در مورد الگوی ارتباطی توقع / کناره‌گیر به‌خصوص وقتی زن متوقع و مرد کناره‌گیر باشد دارای ابهاماتی است. بعضی از پژوهش‌ها

1. Fogarty, T. F.

2. Jacobson, N. S. & Margolin, G.

3. Noller, P., Feeney, J. A., Bonnell, D. & Callan, V.

4. Caughlin, J. P.

5. Eldridge, K. A.

6. Levenson, R. W.

7. Layne, C.

حاکمی از ارتباط مستقیم این الگو با کاهش رضایت زناشویی دارد و برخی دیگر حاکمی از ارتباط مستقیم با افزایش میزان رضایت زناشویی زنان در آینده است. نتایج پژوهش حاضر در دو الگوی ارتباطی سازنده متقابل و اجتنابی متقابل با همه پژوهش‌های صورت گرفته در این موضوع توافق دارد. اما نتایج این مطالعه حاکمی از آن دارد که بین ارتباط توقع / کناره‌گیری در همه صورت‌ها با رضایت زناشویی رابطه معکوسی است. همچنین این مطالعه نشان داد؛ رابطه کاهنده بین الگوی ارتباطی توقع / کناره‌گیر مرد / زن با رضایت زناشویی قوی‌تر از رابطه توقع / کناره‌گیر زن / مرد است؛ یعنی زمانی که مرد متوقع و زن کناره‌گیر باشد رابطه قوی‌تری با کاهش رضایت زناشویی وجود داشت تا زمانی که مرد کناره‌گیر و زن متوقع باشد.

پیش‌بینی نمودن الگوهای ارتباطی بین زوجین کمک بسیاری در فهم ارتباطات آنها و پیش‌بینی نمودن وقوع طلاق در آنها است. مطالعه حاضر به پیش‌بینی الگوهای ارتباطی از طریق پایبندی مذهبی و رضامندی زناشویی پرداخت و نتایج حکایت از آن داشت که هر دو متغیر با هم می‌توانند میزانی از واریانس خرده‌مقیاس‌های الگوهای ارتباطی را پیش‌بینی نمایند. یافته‌ها نشان داد بین رضایت زناشویی با الگوی ارتباطی سازنده متقابل رابطه مثبت معناداری است در واقع رضایت زناشویی پیش‌بینی‌کننده قوی الگوی ارتباطی سازنده متقابل است؛ اما بین رضایت زناشویی با الگوهای ارتباطی توقع / کناره‌گیر و اجتنابی متقابل رابطه معکوس معناداری به دست آمد که نشان می‌دهد رضایت زناشویی پایین، پیش‌بینی‌کننده الگوهای ارتباطی توقع / کناره‌گیر و اجتنابی متقابل است.

مطابق نتایج این مطالعه بین ارتباط سازنده متقابل با رضایت زناشویی رابطه مثبت معناداری وجود دارد که نشان می‌دهد این عامل پیش‌بینی‌کننده قوی رضایت زناشویی است. نولر، فیتزپاتریک (۱۹۸۸) در این باره بیان می‌کنند که رضایت‌مندی زناشویی برای آن دسته از زوج‌هایی که تأکید بر اتکا متقابل و نزدیکی دارند با سطوح بالای در میان گذاشتن اطلاعات همبستگی دارد، در حالی که رضایت زناشویی برای آن دسته از زوج‌هایی که تأکید بر استقلال و دوری دارند، به نحو مثبتی با اجتناب از تعارض و کشمکش همبستگی دارد (به نقل از: احمدی، ۱۳۸۴). اما بین الگوهای ارتباطی زوجین توقع / کناره‌گیر و اجتنابی متقابل با رضایت زناشویی رابطه معکوس معناداری به دست آمد که نشان می‌دهد این الگوها پیش‌بینی‌کننده قوی رضایت زناشویی پایین هستند. این یافته‌ها با یافته‌های کریستنسن، ملاموس (۱۹۹۵)؛ گاتمن، لونسون (۲۰۰۰)؛ هیوی و دیگران (۱۹۹۵) و کایوچلین (۲۰۰۲) که نشان دادند الگوی توقع / کناره‌گیر می‌تواند پیش‌بینی‌کننده کاهش رضامندی زناشویی

باشد، همخوانی دارد. اما در مورد الگوهای ارتباطی توقع / کناره‌گیر نتایج نشان داد؛ در صورتی که مرد متوقع و زن کناره‌گیر باشد رضایت زناشویی به شدت کاهش می‌یابد در حالی که اگر زن متوقع و مرد کناره‌گیر باشد پیش‌بینی‌کننده قوی برای کاهش رضایت زناشویی نیست. به نظر می‌رسد اختلاف بین این دو حالت به نقش جنسیتی زوجین برگردد. یعنی زن‌ها اگر در ارتباط زناشویی حالت متوقع به خود بگیرند و مرد‌ها کناره‌گیر باشند احساس خطر در روابط زناشویی نسبت به حالت مرد متوقع و زن کناره‌گیر کمتر پیش‌بینی می‌شود. همچنین نتایج این مطالعه نشان داد بین پایبندی مذهبی و رضایت زناشویی رابطه مثبت معناداری وجود دارد که نشان می‌دهد پایبندی مذهبی پیش‌بینی‌کننده قوی برای رضایت زناشویی بالا می‌باشد. این نتیجه با یافته‌های کال و هیتون^۱ (۱۹۹۷)؛ شرکات^۲ (۲۰۰۴) همچنین با یافته‌های روحانی، معنوی‌پور (۱۳۸۷)؛ نیکویی، سیف (۱۳۸۴) که به این نتیجه رسیدند؛ پایبندی به مذهب یکی از پیش‌بینی‌های قوی برای شادمانی زناشویی، رضایتمندی و موفقیت به حساب می‌آید، همسو است و این نتایج را تأیید می‌کند. از آن جهت که نتایج نشان داد در صورتی که زوجین پایبندی مذهبی داشته باشند می‌توان رضایت زناشویی قوی را برای آنها پیش‌بینی نمود. از سوی دیگر نتایج این مطالعه نشان داد در صورتی که پایبندی مذهبی به الگوهای ارتباطی افزوده شود میزان قدرت پیش‌بینی رضایت زناشویی بیشتر خواهد شد. همچنین یافته مهمی که از نتایج این تحقیق به دست آمد، این بود که اگر الگوهای ارتباطی زوجین توقع / کناره‌گیر، توقع / کناره‌گیر مرد / زن، توقع / کناره‌گیر زن / مرد و یا اجتنابی متقابل باشد رضایت زناشویی بسیار کم خواهد شد؛ اما در صورتی که این الگوها بین زوجین پایبند به مذهب برقرار باشند میزان نارضایتی زناشویی کمتر خواهد شد. در تبیین این نتایج می‌توان گفت؛ زن و شوهری که زندگی زناشویی خود را بر محوریت توحید قرار دهند حتی در مواقع بحرانی که فشارهای مختلف اقتصادی و بلاهای طبیعی ممکن است پایه‌های زندگی زناشویی آنها را متزلزل و سست کند همدیگر را یاری نموده، میزان رضامندی زناشویی آنها نه تنها کمتر، بلکه حتی در این مواقع نیز بیشتر خواهد شد.^۳ همچنین نگرش توحیدی زوجین، سبب شکل‌گیری عزت نفس؛ ارائه و دریافت حمایت‌های عاطفی-اجتماعی، تقویت شبکه

1. Call, V. R. A. & Heaton, T. B.

2. Sherkat, D. E.

۳. مردی خدمت پیامبر اکرم (ص) آمد و عرض کرد: همسری دارم که هرگاه وارد خانه می‌شوم، به استقبال می‌آید و چون خارج می‌شوم، بدرقه‌ام می‌کند و زمانی که مرا اندوهگین می‌بیند می‌گوید: اگر برای روزی غصه می‌خوری، بدان که دیگری آن را به عهده گرفته است و اگر برای آخرت غصه می‌خوری خدا اندوهت را زیاد کند. رسول خدا (ص) فرمود: خداوند کارگزارانی دارد و چنین زنی از کارگزاران خدا است و نصف اجر شهید را دارد (حرّعاملی، ۱۹۹۱، ج ۱۴، ص ۱۷). امام صادق (ع) نیز در این باره می‌فرماید: «اگر زنی همسر خود را به خشم آورد، اعمال حسنه آن زن و همچنین نمازش در پیشگاه خداوند قبول نمی‌شود» (همان، ج ۱۴، ص ۱۴۴).

خانوادگی و خویشاوندی در پرتو ایجاد و تحکیم روابط انسانی سالم؛ ایجاد ادراک صحیح از هستی و رابطه معنادار و غنی با خداوند، معنایابی و هدفمندی در زندگی بوده، به ثبات زندگی و رضایت زناشویی آنها کمک می‌نماید. ارتباط با خداوند و شرکت در مراسم دینی از سوی زوجین سبب می‌شود آنها احساس آرامش نموده، از حمایت‌های معنوی در مسیر زندگی زناشویی خود بهره‌برند.^۱ احساس آرامشی که زوجین در پرتو نیایش و ارتباط با خداوند به دست می‌آورند سعه صدر و آستانه تحمل آنها را بالا برده، با خونسردی کامل و مدارا با همدیگر ارتباط برقرار می‌نمایند.^۲ ارتباط با خداوند و اعتقاد به تأثیر اراده بی‌نیایت و مطلق او، زوجین را در برابر مشکلات و سختی‌ها بیمه می‌کند و آنها را از ایجاد تنش در مسیر زندگی زناشویی محافظت می‌نماید.^۳ همچنین روحیه تواضع، بخشش و گذشت را در آنها تقویت می‌نماید.^۴

فقدان پرسشنامه الگوهای ارتباطی زوجینی که در همه پژوهش‌ها از اعتبار مطلوبی برخوردار باشد، همچنین عدم همکاری همه زوجینی که به صورت تصادفی انتخاب شده و پرسشنامه در میان آنها توزیع گردیده است از جمله محدودیت‌های پژوهش بود. بنا بر یافته‌های این مطالعه پیشنهاد می‌گردد؛ پرسشنامه‌ای براساس مؤلفه‌های مذهبی - فرهنگی در زمینه الگوی ارتباطی زوجین طراحی و پژوهشی مشابه سازمان داده شود. همچنین نمونه تحقیق در بین کسانی که برای مداخله درمانی به مراکز مشاوره مراجعه می‌کنند، انتخاب گردد. به عنوان یک پیشنهاد کاربردی براساس یافته‌های پژوهشی، زوج درمانگران عامل مذهب را به عنوان یکی از متغیرهای قوی برای پیش‌بینی رضایت زناشویی و الگوهای ارتباطی بین زوجین در نظر گیرند و در تشخیص بالینی و در مداخلات درمانی خود، از این عامل استفاده نمایند. همچنین مراکز آموزشی و فرهنگی جامعه باید برای حفظ نظام زوجین و خانواده، بیشتر از گذشته به مقوله مذهب به عنوان عامل تأثیرگذار بر افزایش میزان رضایت زناشویی و الگوی ارتباطی سازنده توجه نموده، سیاست‌های آموزشی و تربیتی خود را بر این مبنا استوار نمایند. همچنین پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های آینده تأثیر جنسیت بر رابطه الگوهای ارتباطی زوجین با رضامندی زناشویی مورد بررسی قرار گیرد.

۱. آنان که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا آرامش می‌یابد. آگاه باشید که دل‌ها به یاد خدا آرامش می‌یابد (رعد، ۲۸).

۲. امام رضا(ع) فرمود: مؤمن، مؤمن نباشد تا در او سه خصلت باشد: روشی از پروردگارش و روشی از پیغمبرش و روشی از امامش، ... روش پیغمبرش مدارا با مردم زیرا خدای عزوجل به پیغمبرش دستور مدارای با مردم داد و فرمود عفو پیشه کن (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۲، ص ۴۴۲).

۳. هیچ مصیبتی به مال یا به جانتان نرسد مگر پیش از آنکه بیافرینمش، در کتابی نوشته شده است. و این بر خدا آسان است تا بر آنچه از دستتان می‌رود اندوهگین نباشید و بدانچه به دستتان می‌آید شادمانی نکنید (حدید، ۲۲ و ۲۳).

۴. بندگان خدای رحمان کسانی هستند که در روی زمین به فروتنی راه می‌روند. و چون جاهلان آنان را مخاطب سازند، به ملائمت سخن گویند. (فرقان، ۶۳).

منابع

- قرآن کریم، ترجمه عبدالمحمد آیتی (۱۳۷۴)، تهران: سروش.
- ابن شعبه حرانی (۱۳۸۲)، تحف العقول فی ما جاء من الحکم والمواعظ عن آل الرسول، ترجمه احمد جنتی، تهران: مؤسسه امیرکبیر.
- احمدی، زهرا و همکاران (۱۳۸۵)، «بررسی اثربخشی شیوه زوج درمانی ارتباطی شیء بر الگوهای ارتباطی زوجین»، خانواده‌پژوهی، ش ۶، ص ۱۰۵-۱۱۷.
- احمدی، سیداحمد و مریم فاتحی‌زاده (۱۳۸۴)، «بررسی رابطه الگوهای ارتباطی زوجین و میزان رضایتمندی زناشویی زوجین شاغل در دانشگاه اصفهان»، خانواده‌پژوهی، ش ۲، ص ۱۰۹-۱۲۰.
- اولیا، نرگس (۱۳۸۸)، بررسی تأثیر آموزش غنی‌سازی زندگی زناشویی بر افزایش رضایتمندی زوجین، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان.
- بیات مختاری، نازنین (۱۳۸۹)، اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر رضایت زناشویی زوجین شهر اصفهان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان.
- ثناگویی، محمد، مسعود جان‌بزرگی (۱۳۹۰)، «رابطه پایبندی مذهبی با الگوهای ارتباطی زوجین»، روان‌شناسی و دین، ش ۱۶، ص ۱۰۳-۱۲۰.
- جان‌بزرگی، مسعود (۱۳۸۸)، «ساخت و اعتباریابی آزمون پایبندی مذهبی براساس گزاره‌های قرآن و نهج‌البلاغه»، مطالعات اسلام و روان‌شناسی، ش ۵، ص ۷۹-۱۰۷.
- جدیری، جعفر، مسعود جان‌بزرگی (۱۳۸۸)، «ساخت و اعتباریابی مقیاس رضامندی زناشویی اسلامی»، روان‌شناسی و دین، ش ۴، ص ۴۱-۷۰.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۹۹۱)، وسائل الشیعه، ج ۱۴، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
- رضایی، مهدیه و دیگران (۱۳۸۹)، «تأثیر زوج‌درمانی هیجان‌مدار بر بهبود الگوهای ارتباطی جانبازان مبتلا به PTSD ناشی از جنگ و همسرانشان»، خانواده‌پژوهی، ش ۶، ص ۴۳-۵۸.

- رفیعی هنر، حمید، مسعود جان بزرگی (۱۳۸۹)، «رابطه جهت‌گیری مذهبی و خودمهارگری»، روان‌شناسی و دین، ش ۱، ص ۳۱-۴۲.
- روحانی، عباس، داوود معنوی پور (۱۳۸۷)، «رابطه عمل به باورهای دینی با شادکامی و رضایت زناشویی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد مبارکه»، دانش و پژوهش در روان‌شناسی، ش ۳۵، ص ۱۸۹-۲۰۶.
- عبادت پور، بهناز (۱۳۷۹)، «اعتباریابی پرسشنامه الگوهای ارتباطی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تربیت معلم تهران.
- گلادینگ، ساموئل (۱۳۸۶)، خانواده درمانی، ترجمه فرشاد بهاری و همکاران. تهران: تزکیه.
- لیزینا، ایوانونا (۱۳۷۵)، الگوهای ارتباطی، ترجمه محمدجعفر مدبرنیا، تهران: نشر دنیای نو.
- نیکویی، مریم، سوسن سیف (۱۳۸۴)، «بررسی رابطه دینداری با رضایت زناشویی»، فصلنامه علمی - پژوهشی تازه‌های مشاوره، ش ۱۳، ص ۶۱-۸۱.
- وفایی، طیب و همکاران (۱۳۸۸)، «مقایسه الگوهای ارتباطی همسران جانباز و عادی»، طب جانباز، ش ۵، ص ۲۰-۲۶.
- هالفورد، کیم (۱۳۸۷)، زوج درمانی کوتاه‌مدت (یاری به زوجین برای کمک به خودشان)، ترجمه مصطفی تبریزی، مؤسسه کاردانی و فروغ جعفری، تهران: فراروان.
- Bradbury, T. N.; F. D. Fincham & S. R. Beach (2000), "Research on the Nature and Determinants of Marital Satisfaction: A Decade in Review", *Journal of Marriage and the Family* 62, pp.964-998.
- Call, V. R. A. & T. B. Heaton (1997), "Religious Influence on Marital Stability", *Journal for the Scientific Study of Religion* 36, pp.382-392.
- Caughlin, J. P. (2002), "The Demand/Withdraw Pattern of Communication as a Predictor of Marital Satisfaction Over Time", *Human Communication Research*, vol.28, no.1, pp.49-85.
- Christensen, A. & C. L. Heavey (1990), "Gender and Social Structure in the Demand/Withdraw Pattern of Marital Conflict", *Journal of Personality and Social Psychology* 59, pp.73-81.
- Christensen, A. & J. L. Shenk (1991), "Communication, Conflict and Psychological Distance in Non-distressed, Clinic and Divorcing Couples", *Journal of Consulting and Clinical Psychology* 59, pp.458-463.

- Christensen, A. & M. Sullaway (1984), *Communication Patterns Questionnaire*, University of California, Los Angeles: Unpublished Manuscript.
- Eldridge, K. A.; M. Sevier; J. Jones; D. C. Atkins & A. Christensen (2007), "Demand-Withdraw Communication in Severely Distressed, Moderately Distressed, and Nondistressed Couples: Rigidity and Polarity During Relationship and Personal Problem Discussions", *Journal of Family Psychology*, vol.21, issue. 2, p.218-226.
- Fogarty, T. F. (1976), *Family Therapy: Theory and Practice*, Marital Crisis, P. J. Guerin (ed.), New York: Gardner, pp.325-334.
- Gottman, J. (1994), *Why Marriage Succeed or Fail*, New York: Simon & Schuster.
- Gottman, J. (2000), "The Timing of Divorce: Predicting when a Couple will Divorce Over a 14-year Period", *Journal of Marriage and the Family* 62, pp.737-745.
- Gottman, J. M. & C. I. Notarius (2002), *Marital in 20TH Century and Research and for 21st Century*, *Family Process* 41, pp.156-197.
- Gottman, J. M. & L. J. Krokoff (1989), "Marital Interaction and Satisfaction: A Longitudinal View", *Journal of Consulting and Clinical Psychology* 57, pp.47-52.
- Gottman, J. M. & R. W. Levenson (2000), "The Timing of Divorce: Predicting When a Couple will Divorce Over a 14-year Period", *Journal of Marriage and the Family* 62, pp.737-745.
- Greef, A. P. (2000), "Characteristics of Families that Function well", *Journal of Family Issues* 21, pp.948-962.
- Halford, W. & M. R. Sanders (1990), "The Relationship of Cognition and Behavior During Marital Interaction", *Journal of Social and Clinical Psychology* 9, pp.489-510.
- Heavey, C. L.; A. Christensen & N. M. Malamuth (1995), "The Longitudinal Impact of Demand and Withdrawal During Marital Conflict", *Journal of Consulting and Clinical Psychology* 63, pp.797-801.

- Heavey, C. L.; C. Layne & A. Christensen (1993), "Gender and Conflict Structure in Marital Interaction: A Replication and Extension", *Journal of Consulting and Clinical Psychology* 61, pp.16-27.
- Jacobson, N. S. & G. Margolin (1979), *Marital Therapy: Strategies Based on Social Learning and Behavior Exchange Principles*, New York: Brunner/Mazel.
- Koeing, H. G. (1997), *Is Religious for your Health?: Effects of Religious on Mental and Physical Health Binghamton*, New York: Haworth Pastoral Press.
- Mahoney, A. (2005), "Religion and Conflict in Marital and Parent-Child Relationships", *Journal of Social Issues*, vol.61, no.4, pp.689-706.
- Morris, M. L. & S. A. Carter (1999), "Transition to Marriage: A literature Review", *Journal of Family and Consumer Science Education* 17, pp.1-24.
- Noller, P. & J. A. Feeny (2002), *Understanding Marriage: Developmental in the Study of Couple Interaction*, New York: Cambridge University.
- Noller, P.; J. A. Feeney; D. Bonnell & V. Callan (1994), "A Longitudinal Sstudy of Conflict in Early Marriage", *Journal of Social and Personal Relationships* 11, pp.233-252.
- Pressman, P.; J. S. Lyons; D. B. Larson & J. Strain (1990), "Religious Belief, Depression and Ambulation Status in Elderly Women with Broken Hips", *American Psychiatric Association* 147, pp.758-760.
- Sherkat, D. E. (2004), "Religious Intermarriage in the United States: Tends, Patterns, and Predictors", *Journal of Social Science Research*, vol.18, pp.47-55.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی